



تسلیت رهبری درباره فرشچیان

آیتالله خامنه‌ای در پیامی درگذشت هنرمند برجسته و نام‌آور جناب آقای محمود فرشچیان را تسلیت گفتند.

متن پیام رهبر انقلاب به این شرح است:

بسم الله الرحمن الرحيم

هنرمند برجسته و نام‌آور جناب آقای محمود فرشچیان، ستاره‌ی درخشانی در آسمان هنر ایرانی بود. تعهد و دین‌داری، گوهر ارزنده‌ی او را در خدمت معارف و دلبستگی‌های مذهبی به کار گرفت و آثار جاودانه‌ای به یادگار گذاشت. رحمت و رضوان خدا بر او باد. به خاندان او و دوستان و شاگردانش و به جامعه‌ی هنری کشور تسلیت عرض می‌کنم.

سیدعلی خامنه‌ای

بیست و نهم مرداد یک‌هزار و چهارصد و چهار



انتصاب شورای جشنواره کتاب

مدیرعامل خانه کتاب و ادبیات ایران، اعضای شورای سیاست‌گذاری بیست‌وسومین دوره جشنواره کتاب و رسانه را منصوب کرد. به گزارش روابط عمومی خانه کتاب و ادبیات ایران، ابراهیم حیدری، مدیرعامل این نهاد و رئیس جشنواره در احکامی جداگانه ۱۱ نفر از فعالان و کارشناسان حوزه رسانه و کتاب را به عضویت این شورا درآورد. براساس این احکام، عباس اسدی، محمدرضا اسدزاده، نیلوفر زندیان، حمیدرضا ایک، حمیدرضا مدقق، علیرضا بهرامی، محسن حدادی، سیدمحمد طباطبایی، نیکنام حسینی‌پور، محمد آسیابانی و مرتضی بریری در ترکیب شورای سیاست‌گذاری این دوره حضور خواهند داشت. پیش‌تر نیز حیدری در ابلاغی جداگانه، مرتضی بریری را به‌عنوان دبیر بیست‌وسومین جشنواره کتاب و رسانه منصوب کرده بود.



فروش کتاب برای مردم فلسطین

سالی رونی، نویسنده ایرلندی اعلام کرده که عواید حاصل از فروش کتاب‌هایش و حق امتیازهای اقتباس از آثارش را برای حمایت از اقدامات مستقیم علیه نسل‌کشی فلسطینیان استفاده کنند. او از گروه فعال فلسطینی، «اکشن فلسطین» حمایت کرده و گفته، چون آنها برای آزادی مردم غزه تلاش می‌کنند، حق امتیاز کتاب‌هایش از جمله «مردم عادی»، «تعامل با دوستان»، همچنین اقتباس‌های بی‌بی‌سی از آن‌ها را به این گروه اختصاص می‌دهد. این گروه اخیراً در بریتانیا به‌عنوان یک سازمان تروریستی شناخته شده است. اظهارات رونی با واکنش‌های گسترده‌ای در رسانه‌ها و محافل سیاسی رویه‌رو شده است. دفتر نخست‌وزیر بریتانیا در واکنش به این اقدام، اعلام کرد که حمایت از گروه اکشن فلسطین، طبق قانون جرم محسوب می‌شود. کارشناسان حقوقی نسبت به احتمال بازداشت رونی، بدون دستور قضایی و مسئولیت قانونی بی‌بی‌سی در پرداخت حق امتیاز، هشدار داده‌اند و آن را «حمله‌ای شرم‌آور به آزادی‌بیان» خوانده‌اند.



چنددانشی مرد

کارنامه علمی محمدجواد مشکور

نمونه‌ای از تسلط کم‌نظیر بر پژوهش‌های میان‌رشته‌ای است

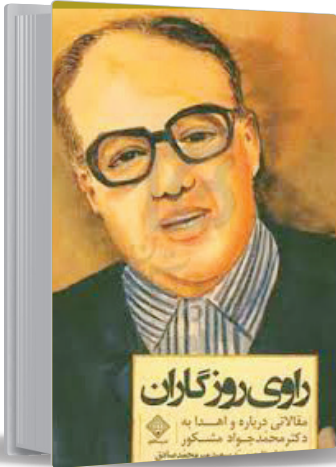


فرزاد نعمتی

خبرنگار گروه فرهنگ

«راوی روزگاران» یادنامه و مجموعه مقالاتی درباره اهدا به استاد برجسته محمدجواد مشکور، به سعی و خواستاری سعید میرمحمدصادق است. مشکور را بدون مبالغه باید یکی از بزرگ‌ترین دانشمندان و پژوهشگران ایران معاصر دانست؛ محققی که در چندین حوزه علوم تاریخ ایران باستان، تاریخ ایران پس از اسلام، تاریخ و عقاید اسلامی، دین‌شناسی تطبیقی، علوم اجتماعی، زبان و ادبیات و... دست به تألیف، ترجمه و تصحیح قریب به ۷۰ اثر زدودر همه این زمینه‌ها در حدی ستایش‌برانگیز، خوش درخشید و با وسواسی که در خور پژوهش‌های اصیل علمی است و مشکور سخت‌بدان التزام داشت، آثاری ماندگار و دوران‌ساز از خود به یادگار گذاشت.

اینک جمعی از دوستان و محققان، شاگردان و هم‌عصران مشکور در مجموعه «راوی روزگاران» دست به قلم برده‌اند و درباره آثار، افکار و احوال مشکور نوشته‌اند. این البته نخستین بار نیست که به‌یاد مشکور و به‌پایانه او کسانی دست به قلم شده‌اند. پیش از این در سال ۱۳۷۴، «سعی مشکور» در موسسه فرهنگی و انتشاراتی پایا منتشر شد و بعدتر نیز آثاری دیگر چون «نگاهی به احوال و آثار



دکتر محمدجواد مشکور» در مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی و «زندگی‌نامه و خدمات علمی و فرهنگی مرحوم استاد دکتر محمدجواد مشکور» در انجمن آثار و مفاخر فرهنگی به طبع رسید. با این همه کارنامه مشکور همچنان نکات قابل تأملی برای بازبینی و درس‌آموزی دارد و به همین دلیل است که همچنان به درخواست تهیه مقاله برای چنین یادنامه‌ای، پاسخ مثبت داده می‌شود.

معرفی کتاب

راوی روزگاران نویسنده:

سیدسعید میرمحمدصادق

انتشارات: سنگلج

قیمت: ۵۵۰ هزار تومان



از سنگلج تا سورین

محمدجواد مشکور در سال ۱۲۹۷ در محله دیاغ‌خانه سنگلج تهران به دنیا آمد. تبار او آذربایجانی و پیشینه خانوادگی اش حوزوی و مذهبی بود. جد پدری او، از علمای سابق یادکویه، در دوران ناصرالدین‌شاه قاجار نایب امام‌جمعه تهران در مسجد شاه بود. مادرش معصومه خانم ملقب به خانم‌آغا نیز بزرگ‌ترین فرزند حسن سنگلجی از علمای بزرگ تهران در دوره ناصری و نواده میرزاصفی مازندرانی بود. سه دایی؛ محمدجواد، محمدحسن، محمدمهدی و محمد، از علمای بزرگ زمان خود و آموزگاران او بودند. بدین ترتیب محمدجواد از کودکی در محیطی علمی و مذهبی رشد کرد. بعد از دریافت دیپلم نیز در مقطع لیسانس هم‌زمان در دانشکده معقول و منقول و دانشسرای عالی در رشته‌های ادبیات عرب و زبان و ادب فارسی پذیرفته شد و در سال ۱۳۱۷ دانش‌آموخته شد. سپس به تدریس و کار در ادارات دولتی مشغول شد و از سال ۱۳۲۷ به عضویت هیئت‌علمی دانشگاه تبریز درآمد. در آبان‌ماه سال ۱۳۳۳ هم از سوی دانشگاه برای تحصیل در دوره دکتری در رشته تاریخ اسلام و خاورمیانه به دانشگاه سورین در پاریس رفت و آنجا محضر اساتیدی چون لویی ماسینیون، هانری کرین، امیل بنونیست و ژان دو مناش را درک کرد. مشکور در سال ۱۳۳۶ دانش‌آموخته شد و به ایران بازگشت. پایان‌نامه دکتری مشکور، ترجمه و تحلیل یکی از کتاب‌های مهم در تاریخ اسلامی، یعنی کتاب «فرق الشیعه» نویختی بود. ترجمه فرانسوی این کتاب به‌قلم مشکور، در آشنایی بیشتر اسلام‌شناسان اروپایی با عقاید فرقه‌های شیعه، موثر بود.

نوآوری در پژوهش

مشکور البته در سال ۱۳۲۵ این کتاب را به فارسی بازگردانده بود. در همان سال، کتابی دیگر مرتبط با تاریخ ایران باستان را نیز به رشته تحریر درآورده بود: «گفتاری درباره دینکرد». او این روند را در سال ۱۳۲۹ با انتشار ترجمه کتاب «کارنامه اردشیر بابکان» پی گرفته بود و آخرین اثری که از او پیش از سفر به سورین منتشر شد، کتاب نوآورانه «تاریخ مردم اورارتو» بود که آن را باید نخستین پژوهش در این زمینه دانست و مشکور نوشتن آن را پس از کشف سنگ‌نبشته‌های اورارتویی در روستای سقین دل ارسباران آغاز کرد. از این نظر نگارش این اثر را می‌توان نمونه‌ای از نگاه مشکور به کار علمی نیز دانست، زیرا همان‌طور که موسوی‌جنوردی نیز در این یادنامه اشاره کرده است، مشکور «از هنگام جوانی کوشید به موضوعاتی در فرهنگ و تمدن اسلامی و ایرانی بپردازد که با وجود اهمیت بسیار، کمتر به چشم آمده است. به جرات می‌توان گفت که او در تألیف، تصحیح، ترجمه و هرفعالیت فرهنگی دیگری در مدتی بیش از نیم‌قرن، پیوسته بر همان طریق راه سپرد. آثار او جملگی با تشخیص نیازهای فرهنگی پدید آمده و هریک پاسخی به نیازها و خواست‌های جامعه علمی بوده است.» برای نمونه اگر بخش چشمگیری از حیات علمی مشکور به شناسایی منابع و مآخذ مربوط به شناخت ادیان، مذاهب و فرق گذشت، دلیلی جز این نداشت که در آن زمان شناخت دقیقی از این موضوعات وجود نداشت و این مشکور بود که با همتی و صف‌ناپذیری این گنجینه را در اختیار پژوهشگران بعدی قرار داد.

نسل دوم اساتید و دانش‌چندرشته‌ای

محمدجواد مشکور را باید پس از استادانی چون محمدقزوینی، ابراهیم پورداود، عباس اقبال آشتیانی، سعید نفیسی و مجتبی مینوی که نسل نخست استادان دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران بودند، در زمره نسل دوم از استادان قرار داد. مشکور خود بارها از این شخصیت‌های نادر زمانه و نقش آنها در پیشرفت علمی خود سخن گفته است. مشکور، پورداود را «زنده‌کننده

رازهای بزرگی در سینه دارند

کتاب مرثیه‌ای برای آفاق و ثریا درباره زنانی است که چون شبی سرگردان تنها شب را به روز می‌رسانند

حسین بلوچی‌نژاد

خبرنگار فرهنگی

تاریخ این سرزمین تا دل‌تان بخواهد جنگ به خود دیده است. انگار همه‌ی آدم‌های دنیا به این یک تکه خاک زیبای مقدس نفرتین شده، چشم داشته‌اند. نمونه‌اش؟ همین نخست‌وزیر دیوانه‌ی اسرائیل که همین یکی، دوما قبل بود که به آسمان وطن مهاجرت و در خیال خود پروازند که طی یکی، دو هفته، «ایران» را به اشغال خود درمی‌آورد. او اما نه می‌دانست «ایران» چیست، نه می‌دانست «ایران» کیست. او هیچ از مردمی خبر نداشت که حاضرند، کروزرکروشان جان بدهند تا یک‌وجوب از خاکشان، نصیب هیچ بیگانه‌ای نشود. تاریخ این سرزمین تا دل‌تان بخواهد، برای حفظ خاک خود جوان‌مُرده به‌خود دیده است و بعد از این هم، خواهد دید. اما مگر فقط نقل کسانی است که در جنگ جان داده‌اند؟ در جنگ یک نفر می‌میرد و آنان که عزیزش

معرفی کتاب

مرثیه‌ای برای آفاق و ثریا

نویسنده: سما بابایی

انتشارات: بُرج



می‌داشتند، زنده به‌گور می‌شوند. کتاب «مرثیه‌ای برای آفاق و ثریا» نوشته‌ی «سما بابایی» که توسط نشر «برج» منتشر شده، کتابی است درباره‌ی این آدم‌ها، درباره‌ی زنانی که سال‌هاست چون شبی سرگردان در دنیای پریشان خویش، زندگی که نه، تنها شب را به روز می‌رسانند. «پس این جنگ، کی تمام می‌شود؟». این را شکور از محمود می‌پرسد؛ آن‌وقت که رفیق

روزهای دور حالا از اسارت برگشته‌اش را با تنی زخمی و روحی آشفته، این چنین بی‌تاب می‌بیند. محمود جوابی نمی‌دهد. جوابی ندارد که بدهد. اصلاً کدام جنگ در کدام سرزمین آغاز شده که تمام شود؟ یک‌طرف، پیروز جنگ است و آن دیگری شکست می‌خورد و سرانجام صلح برقرار می‌شود؛ اما این یعنی جنگ برای آن مرد که فرزندش در آغوش اش مُرده، برای آن زن که دخترکان چون پنجه‌ی آفتابش را غرق خون دیده، برای آن کودک خردسالی که چشم‌هایش را میان جنازه‌ی تمام اعضای خانواده اش باز کرده، برای آن نوجروسی که لباس سپید را تن نکرده، لباس سیاه پوشیده، تمام می‌شود؟ جنگ می‌تواند برای آفاق تمام شود؟ برای زنی حامله که آن مردهای سبیل از بناگوش دررفته‌ی عراقی به حیاط خانه‌اش آمدند و جلوی چشمانش، شوهرش را با نفیر ۶ گلوله گشتند؟ نمی‌شود. زن حالا سال‌هاست که یک‌شب را بدون شنیدن صدای ۶ گلوله خوابیده است. سال‌ها گذشته و زن در آیین به خود نگاه نکرده است. کسی چه می‌داند، دنیا برای زنی که سال‌های سال، صورتش را در آیین ندیده است، چه خکمی دارد؟ کسی چه می‌داند زندگی در غربت دیوارهای اتاق تنگ خانه‌ای سیمانی، دور از آن همه نخل چقدر می‌تواند هر روزش، روز مرگ باشد؟

آفاق، اما فقط شوهرش را از دست نداده است؛ آن طور که هزاران هزار زن در طول آن هشت‌سال، شوهر مُرده شدند. احمد برای او پدر بود و مادر، برادر و خواهری که هیچ‌کدام‌شان را در این دار دنیا نداشت. درد او اما مگر